ک.م - ۲۸۶

رفقای ارجمند هیئت سیاسی!

ضمن سلام و آرزوی موفقیت برای شما، در این نوشته نظرات و پیشنهادات رفقای عضو و مشاور کمیتهٔ مرکزی سازمان مقیم کابل (رفقا: [redacted]) پیرامون قطعنامهٔ "استراتژی و تاکتیک س.ف.خ ا-(اکثریت) برای انقلاب ملی و دمکراتیک ایران" جهت اطلاع شما ارائه میگردد.

با درودهای رفیقانه

کابل - ۶۵/۵/۴

بند ۱ =

پاراگراف دوم: عبارت "آماج نهایی سازمان ما استقرار نظام سوسیالیستی است" بشکلی فرموله بندی شده که استقرار سوسیالیسم در ایران را بعنوان هدفی دور از دسترس و درازمدت به ذهن القاء مینماید. لذا پیشنهاد میشود این عبارت بشکل زیر تغییر یابد:

" هدف سازمان ما استقرار نظام سوسیالیستی است" و جملات بعدی پاراگراف مذکور ادامه یابد الی آخر جملهٔ "مسلح زندگی مادی و معنوی جامعه را تامین کند." و بقیهٔ این پاراگراف حذف گردد. زیرا مرحلهٔ کنونی انقلاب ایران را با اصطلاح "(ملی و دمکراتیک)" نمیتوان توضیح داد و بجای آن فرمول زیر نوشته شود:

" اما در مرحلهٔ کنونی در کشور ما به جهت آرایش نیروهای طبقاتی و نیروهای محرکهٔ انقلاب، انقلاب ایران در مرحلهٔ دمکراتیک قرار داشته و از نوع انقلابات دمکراتیک توده‌ای با جهت‌گیری ضد سرمایه داری می باشد."

پاراگراف سوم:

وظایفی که در این پاراگراف برای انقلاب ایران عنوان شده است همه تا در چارچوب وظایف انقلاب دمکراتیک می باشد. با توجه به خصلت انقلاب دمکراتیک در کشور ما و رشد سرمایه داری در آن، وظایف این انقلاب فراتر از اینهاست. بنابراین این پاراگراف حذف گردد و بجای آن فرمول زیر نوشته شود:

" عمده‌ترین وظایف این انقلاب عبارتند از: ۱- دمکراتیزه کردن تمام حیات سیاسی - اقتصادی و اجتماعی کشور از طریق ایجاد قدرت توده‌ای شورای خلق - ۲- حل مسئله ملی از طریق تحقق بخشیدن به حق تعیین سرنوشت خلقهای تحت ستم - ۳- حل مسئله دهقانان و حل مسئله ارضی - ۴- انهدام ارگانهای مسلح سرکوبگر و ایجاد نیروهای دفاع مردمی - ۵- براندازی کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی و ملی کردن تمام سرمایه‌های بزرگ - ۶- ایجاد کنترل کارگری در واحدهای بزرگ تولیدی و ملی شده ۷- قطع وابستگی اقتصادی کشور به امپریالیسم و تقویت بخش دولتی اقتصاد - ۸- ....."

بند ۲ =

پاراگراف اول = در این پاراگراف سقوط رژیم شاه بعنوان "پیروزی انقلاب بهمن قلمداد شده است که نادرست می باشد لذا پیشنهاد میشود پاراگراف اول این بند کلاً حذف شود و بجای آن نوشته شود:

"مردم میهن ما برای دستیابی به آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی علیه حکومت ضد مردمی شاه بپا خاستند و قهرمانانه رژیم تا دندان مسلح را بزیر کشیدند. قیام بهمن ۵۷ طومار رژیم سلطنتی را درهم پیچید. انقلاب بهمن، انقلابی دمکراتیک و خلقی بود ولی بر اثر انتقال قدرت سیاسی به روحانیت پیرو خمینی، این انقلاب نتوانست به پیروزی برسد و راه شکست را پیمود."

پاراگراف دوم

در سطر چهارم این پاراگراف، لایه هایی از بورژوازی ایران را که مخالف جنگ و ولایت فقیه هستند در کنار نیروهای خلق و ترقیخواه عنوان نموده است که این مسئله واقعیت ندارد لذا پیشنهاد میشود سطر چهارم این پاراگراف یعنی جمله "و نیز لایه های ترقیخواه بورژوازی که مخالف جنگ و رژیم ولایت فقیه هستند." حذف گردد.

سطر آخر همین پاراگراف دوم

فرمول "رژیم جمهوری اسلامی بیش از همه منافع روحانیت و بورژوازی تجاری را تأمین می کند." حذف گردد و بجای آن نوشته شود:

"رژیم جمهوری اسلامی قبل از هر چیز نماینده روحانیت شیعه بوده و منافع این قشر اجتماعی را در درجه اول پاسداری میکند. سیاست و عملکرد این رژیم از میان اقشار و طبقاتی که پایگاه اجتماعی روحانیت را تشکیل میدهند و با آن در پیوند هستند، در نهایت بیشترین سود و خدمت را نصیب بورژوازی تجاری نموده است."

بند ۳ =

این بند بشکل زیر اصلاح گردد:

"برای تحقق خواستهای توده های مردم، جامعه ما به یک تحول انقلابی و دمکراتیک در عرصه های گوناگون حیات اجتماعی نیاز دارد. رژیم جمهوری اسلامی سد راه تکامل هرگونه تحول دمکراتیک در جامعه ماست. شرط مقدم تحقق و پیروزی انقلاب دمکراتیک ایران سرنگونی رژیم ولایت فقیه و خاتمه دادن به حاکمیت کلان سرمایه داری بزرگ مالکی و انتقال قدرت به طبقات و اقشار انقلابی جامعه تحت رهبری طبقه کارگر است. سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی عاجل ترین وظیفه ایست که در مقابل نیروهای انقلابی و دمکراتیک جامعه قرار دارد.

بند ۴ =

عبارت " لایه های تر قیخواه بورژوازی در برخی تحولات ملی و دمکراتیک ذینفع اند، اما بورژوازی قادر به تحول انقلابی در جامعه نیست " حذف شود و این بند بشکل زیر نوشته شود:

" نیروهای محرکهٔ انقلاب دمکراتیک ایران عبارتند از: طبقهٔ کارگر، دهقانان، خرده بورژوازی شهری و روشنفکران خلق. طبقهٔ کارگر نیروی محرکهٔ اصلی انقلاب است." و بقیهٔ جملات این بند حذف گردد.

بند ۵ =

تمامی جملات این بند حذف شود و بجای آن نوشته شود:

" در انقلاب دمکراتیک ایران علاوه بر طبقهٔ کارگر سایر نیروهای طبقاتی شریک و ذینفع هستند و تلاش می کنند، امر سرکردگی خود را در انقلاب تأمین نمایند." سرنوشت انقلاب با امر سرکردگی آن گره می خورد. پیشبرد پیگیر و به فرجام رساندن انقلاب دمکراتیک ایران در گرو سرکردگی پرولتاریا در این انقلاب و انتقال به سوسیالیسم است. در صورت تأمین رهبری پرولتاریا در انقلاب، دولت برآمده از انقلاب دولت دمکراتیک توده ایست. دولت دمکراتیک توده ای شکلی از دیکتاتوری پرولتاریاست. اما این دولت در مرحلهٔ دمکراتیک وظایف دیکتاتوری سوسیالیستی را انجام نمیدهد. بلکه بر زمینهٔ پیروزی پرولتاریا در دولت دمکراتیک توده ای انجام وظایف دمکراتیک انقلاب را بعهده قدرت دمکراتیک خلق است. با توجه به خصلت انقلاب ایران، این وظایف فراتر از چهارچوب انقلابات بورژوا دمکراتیک است و انجام آنها موجب گسترش مناسبات سرمایه داری و اقتدار بورژوازی در ایران نخواهد بود. همین دلیل نیز تنها قدرت دمکراتیک توده ای به رهبری طبقهٔ کارگر قادر به انجام آنها و بفرجام رساندن آن از طریق انتقال به سوسیالیسم است."

بند ۶ =

تمام جملات این بند حذف گردد و بجای آن فرمول زیر نوشته شود:

" مبارزه در راه بسیج طبقهٔ کارگر و دیگر زحمتکشان تحت رهبری پیشاهنگ طبقهٔ کارگر، مبارزه در راه وحدت همهٔ پیروان سوسیالیسم علمی در حزب واحد و رزمندهٔ طبقهٔ کارگر، مبارزه در راه تأمین اتحاد همهٔ نیروهای انقلابی و دمکراتیک و گسترش آن به جبههٔ متحد خلق برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و استقرار جمهوری دمکراتیک توده ای، از عمده ترین وظایف استراتژیک سازمان بشمار می رود."

بند ۷ =

عبارت " لایه های تر قیخواه بورژوازی را که در برخی تحولات ملی و دمکراتیک ذینفع اند .....

بقیه در پشت صفحه

..... بسوی خود جلب کند." حذف شود و بند ۷ بشکل زیر نوشته شود:

" جبههٔ متحد خلق جبهه ایست متشکل از کارگران، دهقانان، خرده بورژوازی شهری و روشنفکران خلق. اتحاد کارگران و دهقانان استخوانبندی اصلی این جبهه است."

پایان

[redacted] - [redacted] - [redacted]

۱ ۲ ۳